

## راهکارهای متصور برای دفع عدم تناسب جهت حفظ تناسب میان دیون و دارایی شرکت تجاری و پیشگیری از ورشکستگی

مهرانگیز رئوفیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

### چکیده

پایان شخصیت حقوقی حقوق خصوصی و از جمله شرکت‌های تجاری با انحلال آنها واقع می‌گردد و انحلال شرکت‌ها به دو صورت اجباری و اختیاری صورت می‌گیرد. البته با این همه اشخاص حقوقی، بعد از انحلال، بی‌درنگ از هم نمی‌پاشند و شخصیت حقوقی آنها تا تصفیه بدهی‌ها و دارایی‌ها و اجرای تعهدات آنها به وسیله مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی باقی می‌ماند (به ماده ۲۰۸ قانون تجارت مراجعه شود). بقای شخصیت حقوقی این اشخاص تنها برای اموری که معوق مانده است، می‌باشد. نه آنکه بتوانند به کار تازه‌ای اشتغال بیابند. هدف از انجام پژوهش ارائه راهکارهای متصور برای دفع عدم تناسب جهت حفظ تناسب میان دیون و دارایی شرکت تجاری و پیشگیری از ورشکستگی آنها است. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است که با ابزار فیش برداری از کتب، مقالات و منابع مرتبط با موضوع جمع‌آوری گردیده‌اند. نتایج نشان داد ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود (ماده ۴۱۱ ق.ت). در این تعریف دو نکته در خور توجه است: اول اینکه ورشکستگی مختص تاجر یا شرکت تجاری است و غیر تاجر مشمول آن نمی‌شود و مقررات ورشکستگی را نمی‌توان در مورد او اجرا کرده، دوم اینکه ورشکستگی بر اثر توقف تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست پدید می‌آید.

### واژگان کلیدی

ورشکستگی، مدیر، مسئولیت مدنی، تجارت.

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. وکیل پایه یک دادگستری.

## مقدمه

همگان در طول زندگی خود ممکن است دچار مشکلات اقتصادی گردند، به طوری که قادر به پرداخت دیونی که برعهده دارند نباشند و دارایی آنها کفاف پرداخت بدهی آنها را ندهد، پیش آمدن این حالت برای تجار بیشتر محتمل است، زیرا لازمه عمل آنها قبول مخاطرات اقتصادی است و همچنان که ممکن است سود ببرند احتمال دارد به عللی سرمایه خود را از دست بدهند و دیون زیادی پیدا کنند و در این صورت است که مسأله ورشکستگی بروز می کند، پایان شخصیت حقوقی حقوق خصوصی و از جمله شرکت های تجاری با انحلال آنها واقع می گردد و انحلال شرکت ها به دو صورت اجباری و اختیاری صورت می گیرد. البته با این همه اشخاص حقوقی، بعد از انحلال، از هم نمی پاشند و شخصیت حقوقی آنها تا تصفیه بدهی ها و دارایی ها و اجرای تعهدات آنها به وسیله مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی باقی می ماند. بقای شخصیت حقوقی این اشخاص تنها برای اموری که معوق مانده است، می باشد. نه آنکه بتوانند به کار تازه ای اشتغال بیابند.

در قانون تجارت ایران، بقای شخصیت حقوقی شرکت تجاری در زمان تصفیه به صراحت پیش بینی نشده است، اما از مجموع مواد راجع به تصفیه امور شرکتها (مواد ۲۰۲ لغایت ۲۱۸ ق.ت) به خصوص از ماده ۲۰۸ این قانون، توجه قانون گذار به این امر را می توان استنباط کرد. به موجب ماده ۲۰۸: «اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود، متصدیان تصفیه انجام خواهند داد» با توجه به مفهوم این ماده شرکت می تواند بابت معاملات جدید، تعهداتی را از طریق متصدی تصفیه بر عهده بگیرد و بدیهی است شخصی که می تواند متعهد شود، الزاماً دارای شخصیت حقوقی است.

از آنجایی که آثار ورشکستگی نه تنها شامل تاجر می شود، بلکه اغلب وضعیت اقتصادی دیگران را نیز تحت الشعاع قرار می دهد و به منافع جامعه ارتباط پیدا می کند، دولتها به منظور حمایت از اشخاص ثالث علی الخصوص طلبکاران فعلی ورشکسته در مسأله بدهکاری و طلبکاری تجاری دخالت کرده و با وضع مقررات قانونی آنها را از مداخله در اموال خود ممنوع نموده و از شبکه اقتصادی کشور خارج کنند. در چنین شرایطی عده ای از تجار و شرکتهای تجاری با علم به ورشکستگی و ناتوانی در تأدیه دیون خود و یا بدون آگاهی از چنین وضعیتی اقدام به معاملاتی می نمایند. بررسی آثار اعمال حقوقی آنها بسیار مهم می باشد.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- تعریف ورشکستگی

به موجب قانون ۴۱۲ قانون تجارت «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود...» در حقوق انگلیس شخصی را که قادر به تأدیه دیون خود نباشد معسر می نامند و در صورتی ورشکسته تلقی

می شود که حاکم ورشکسته علیه او صادر شده باشد. در نتیجه اعسار یک وضعیت مالی می باشد ولی ورشکستگی یک وضعیت

قضایی است، یعنی شخص از جهت قضایی ورشکسته نیست مگر اینکه دادگاه او را ورشکسته اعلام نماید (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴).

1 Financial status

2 legal status

حکم ورشکستگی در صورتی صادر می‌شود که شخص مرتکب یکی از اعمال ورشکستگی<sup>۱</sup> گردد. اعمال ورشکستگی عبارتند از: مدیون به طور متقالبانه همه اموال خود یا بخشی از آنها را به غیر منتقل نموده یا هبه نماید. منظور از متقالبانه بودن واگذاری این است که به نیت محروم ساختن طلبکاران از مطالباتشان و یا به منظور تأخیر در پرداخت مطالبات آنها صورت پذیرد. مدیون به طور متقالبانه بعضی از دیان را بر دیگران از طریق واگذاری قسمتی از اموال خود به آنها و یا به وثیقه گذاردن قسمتی از اموالشان به نفع یکی از آنها، ارجح بداند. چنین ترجیحی توسط امین باطل خواهد بود. البته اگر منتقل‌الیه مال را در قبال دادن عوضی گرفته و دارای حسن نیت نیز باشد مورد حمایت قرار خواهد گرفت. مدیون تمام اموال خود را به امین واگذار نماید تا او آنها را برای طلبکاران به امانت نگه دارد. با چنین انتقالی مدیون چه بسا تلاش خواهد کرد تا اموال خود را به طریقی غیر از اصول منصفانه حقوق ورشکستگی بین بستانکاران تقسیم و توزیع نماید. مدیون کتبا اعلام نماید که قادر به پرداخت دیون خود نمی‌باشد. البته این اعمال در صورتی منجر به صدور حکم ورشکستگی می‌شود که در طی چهار ماه پیش از دادن دادخواست ورشکستگی صورت گرفته باشد.

## ۱-۲- مفهوم مسئولیت

مسئول به معنی چیزی خواهش شده؛ کسی که فرضی بر ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند مورد بازخواست قرار می‌گیرد و مسئولیت به معنای مسئول و موظف بودن به انجام امری است (معین، ۱۳۶۲، ۴۰۷۳)؛ و در فرهنگ فارسی عمید، عبارت است از: آنچه انسان به عهده دار دارد و مسئول آن است و مسئول به معنای پرسیده شده و خواسته شده نیز آمده است. (عمید، ۱۳۸۹، ۱۰۸۲).

در ترمینولوژی، در تعریف مسئولیت آمده؛ مسئولیت، تعهد قانونی شخص بر دفع ضرری که به دیگری وارد کرده، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۶۴۲).

مسئولیت مدنی شامل مجموعه قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می‌سازد. در واقع، در هر مورد که شخص ناچار به جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد. در واقع، رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان دیده و مسئول برقرار است. زیان دیده، طلبکار و مسئول، بدهکار میشود و موضوع بدهی جبران خسارت است که به طور معمول با دادن پول صورت می‌پذیرد. حتی در موردی که مسئول به عمد به دیگری زیان می‌رساند، چون مقصود او اضرار است نه ایجاد دین برای خود، کار او در زمره وقایع حقوقی شمرده می‌شود. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۳۴) مسئولیت مدنی را به جبران خسارت «ضرر» تعریف نموده و این ضرر گاهی ناشی از یک واقعه مادی است و گاهی ناشی از عدم اجرای قرارداد.

## ۲- تاریخچه ورشکستگی در ایران

اولین قانون درباره ورشکستگی در ایران در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید. قبل از آن، قوانین فقه اسلامی در این باره اعمال می‌شد. در قانون اصول محاکمات قدیم مصوبه ذی‌قعدة ۱۳۲۹ ه.ق افلاس به معنای شرعی مورد توجه قانونگذار بوده

است و مقررات آن شامل همه افراد اعم از تاجر و غیرتاجر می‌گردد. البته قانونگذار بین مفلس عادی و مفلس متقلب و بی‌احتیاط قائل به تفکیک شده و در حالت دوم او را با نام ورشکسته به تفصیر مشمول مقررات جزائی دانسته است. در صورتی که ذیل ماده ۶۲۴ در تنبیه مقرر می‌دارد: «مقصود از مفلس غیر از ورشکسته به تفصیر و ورشکسته بی‌احتیاطی است که مجازات آن در قانون مجازات معین شده است».

قانونی به نام قانون اعسار و افلاس در تاریخ ۱۳۱۰/۸/۲۵ تصویب شد که در مقابل پدیده افلاس سابق، که در عین حال در فقه از آن به عنوان اعسار نیز یاد می‌شد، پدیده جدیدی تحت عنوان اعسار به وجود آمد. بموجب ماده یک این قانون: «معسر کسی است که به واسطه عدم دسترسی به اموال و دارائی خود موقتاً قادر به تأدیه مخارج عدلیه و یا محکوم به نباشد» و به موجب ماده ۲ قانون مزبور «مفلس کسی است که دارایی او برای پرداخت مخارج عدلیه یا بدهی او کافی نیست». از قیاس این دو ماده استناد می‌شود که عدم قدرت معسر به پرداخت مخارج عدلیه یا محکوم به موقتی و به خاطر عدم دسترسی او به اموال و دارائی‌اش است. در صورتی که درباره ی مفلس اولاً عدم قدرت دائمی است و ثانیاً دامنه آن شامل مخارج عدلیه و محکوم به است.

درباره نتیجه اعسار و افلاس باید گفت: در مورد معسر نتیجه حکم دادگاهی که رسیدگی میکند این است که او را موقتاً از مخارج دادگستری یا از پرداخت دین معذور نماید. به موجب ماده ۲۵ مذکور نتیجه افلاس آن است که، دارائی مفلس توسط مدیر تصفیه‌ای که دادگاه معین می‌کند بین طلبکاران او تقسیم می‌شود. قانون اعسار و افلاس مصوب ۱۳۱۰/۸/۲۵ به وسیله قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ نسخ شد و تأسیس قضایی افلاس به موجب ماده ۳۹ قانون مزبور، به کلی از این تاریخ از قانون عرفی ایران حذف گردید. از طرفی برابر ماده ۳۳ قانون مزبور ناظر به ماده ۷۰۷ آئین دادرسی مدنی از بازرگان به استثناء کسبه جزء دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود و بازرگان مدعی اعسار مکلف است برابر قانون تجارت دادخواست ورشکستگی بدهد. بدین ترتیب قانون اعصار صریحاً بین تاجری که قادر به ادای دیون خود نباشد با شخص عادی که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأدیه هزینه دادرسی یا دیون خود نیست قائل به تفاوت قائل شده است.

اولین قانون مربوط به ورشکستگی در حقوق ایران در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید. در این قانون بین تاجر و غیرتاجر فرق گذاشته شد و مقررات آن با شرایطی خاص که خارج از نفوذ قوانین شرع بوده و شباهت کاملی به قوانین اروپایی داشته تنظیم شده است. پس از قانون مزبور، قانون تجارت در ۶۰۰ ماده در ۱۳/۲/۱۳۱۱ به تصویب رسید که مواد ۴۱۲ تا ۵۷۵ به مبحث ورشکستگی اختصاص داده شده است. همچنین به منظور تسریع در امر ورشکستگی قانون اداره امور تصفیه و امور ورشکستگی در ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸ در ۶۰ ماده به تصویب رسید.

### ۳- شرایط اساسی برای اعلام ورشکستگی

برای اعلام ورشکستگی با توجه به ماده ۴۱۲ قانون تجارت شرایط اساسی عبارتند از اینکه اولاً: شخص تاجر باشد و ثانیاً: قادر به پرداخت دیون خود نباشد. مطالب مزبور را در دو مبحث جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۳-۱ تاجر بودن

به استناد ماده ۴۱۲ ورشکسته شخص حقیقی یا حقوقی (شرکت) می‌باشد. برای اطلاق ورشکستگی به فرد یا شرکتی، آن شخص باید تاجر و آن شرکت باید تجارتي باشد. به موجب ماده ۱ قانون تجارت «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات

تجاری قرار بدهد". قانونگذار در ماده ۲ معاملات تجاری را احصاء نموده است. همچنین کسی را که شغل معمولی اش معاملات مندرج در ماده فوق باشد در صورت توقف از پرداخت دیونش، می توان ورشکسته اعلام نمود. البته به موجب ماده ۳۳ قانون اعسار کسبه خرد شامل مقررات ورشکستگی نیستند.

طبق ماده ۲۰ قانون تجارت شرکتهای تجاری نیز همان شرکتهایی پیش بینی شده اند که عبارتند از: ۱- شرکت سهامی ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیرسهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف. باید متذکر شد که اگر قانونگذار در ماده ۴۱۲ قانون تجارت شرکتهای تجاری را هم ذکر نمی کرد، کلمه "تاجر" شامل آنها می شد. زیرا ماده ۴ قانون تجارت مقرر می دارد، "معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود: ۴۰۰۰- کلیه معاملات شرکتهای تجاری".

در مورد تاجر این پرسش مدنظر است که آیا برای تاجر شناخته شدن فرد، ضروری است نام او در دفتر ثبت تجاری موضوع ماده ۱۶ قانون تجارت ثبت گردد یا نه؟ رویه قضایی محاکم فرانسه، ثبت شدن نام تاجر را در دفتر تجاری ضروری نمی داند، بلکه با در نظر گرفتن کلیه قرائن و امارات شخص تاجر را تعیین می کنند. در نظر محاکم ایران نیز چنانچه وضعیت شغلی شخص با مواد ۱ و ۲ قانون تجارت انطباق داشته باشد، برای صدور حکم ورشکستگی کافی است و نیازی به ثبت نام تاجر در دفاتر ثبت تجاری نمی باشد. این چنین است رأی شعبه ۲۵ دادگاه شهرستان تهران به تاریخ ۱۳۴۰/۹/۱۵ در پرونده کلاسه ۶۰۳ به تاریخ ۴۰/۹/۱۰ و رأی شعبه ۲۶ به تاریخ ۱۳۵۱/۲/۷ در پرونده کلاسه ۴۱۷/۲۶/۵۰ و رأی همین شعبه دادگاه به تاریخ ۱۳۵۲/۶/۲۵ در پرونده های کلاسه ۷۴۴/۴۵ و ۱۰۹/۵۰ و ۳۳۳/۵۰ ردیف های ۵۱۵ و ۵۱۴ و ۵۱۳ (متن آراء، فوق در قائم مقام فراهانی، همان کتاب، ص ۲۹ به بعد نقل شده است). در تمام این پرونده ها با علم به اینکه نام تاجر در دفتر ثبت نشده بود، اما محاکم با توجه به قرائن و امارات و شهادت شهود مبنی بر تاجر بودن خواننده ها، اقدام به صدور حکم ورشکستگی کردند. در یکی از پرونده ها درباره ی صدور حکم ورشکستگی از دادگاه شهرستان اعتراض می شود. تقدیم اعتراض عبارت است از: شخص مشمول ورشکستگی تاجر نیست. زیرا ابتدا تقاضای اعسار نموده بود. ثانیاً این شخص فاقد دفاتر تجاری بوده و تابعال اظهارنامه مالیاتی نیز نداشته است. نام او در دفاتر ثبت تجاری نیز ثبت نشده است. دادگاه پس از اقامه شهود و ملاحظه نظر کارشناس چنین استدلال کرده است که: "با توجه به اینکه شخص به معاملات تجاری اشتغال داشته و شغل معمولی او معاملات تجاری می باشد، بنا به حکم قانون تاجر شناخته و نداشتن کارت بازرگانی و دفاتر تجاری و عدم پرداخت مالیات بر فرض احراز صحت مانع از این نخواهد بود که شخص شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار داده و تاجر شناخته شود. مقررات ماده ۱۵ قانون تجارت شاهد درستی این ادعاست. همچنین در نظامنامه مورخ ۱۳۱۰ اصولاً اقرار به عدم اشتغال به کار تجاری در صورت احراز انجام معاملات تجاری مؤثر در مقام نخواهد بود. علاوه بر این، این استدلال که دین شخص تجاری نبوده و غیرتجاری است فاقد ارزش است، زیرا آنچه که مورد نظر قانونگذار در ماده ۴۱۲ قرار گرفته سلب قدرت پرداخت است و علاوه بر آن وفق ماده ۵ قانون تجارت تمامی معاملات تجاری محسوب می شود، مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست، گذشته از اینکه اگر سفته یا چک در روابط تجاری و بین بازرگانان مبادله شود، تجاری تلقی می شود. ولو آنکه مطابق بند ۸ ماده ۲ ذاتاً تجاری نباشد (صفری، ۱۳۷۲، ص ۲۴).

### ۳-۲ توقف از تأدیه دیون

ماده ۴۱۲ قانون تجارت صرفاً به این بسنده نموده که «ورشکستگی تاجر و یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از پرداخت وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود» و تعریفی از توقف ارائه نمی‌دهد. این امر موجب اختلاف نظر بین حقوقدانان و محاکم شده است به گونه‌ای که گروهی صرف عدم پرداخت دیون را کافی برای صدور حکم ورشکستگی می‌دانند و گروهی دیگر صدور حکم ورشکستگی را مشروط به در نظر گرفتن مجموع اوضاع و احوال تاجر متوقف می‌دانند.

### ۴- فقدان تناسب بین دیون و دارایی و راهکارهای پیشگیرانه متناسب

شاید در اولین نظر علت ذکر شده مساوی با مفهوم ورشکستگی و به گونه‌های مصادره به مطلوب تلقی شود؛ ولی باید توجه داشت هر فقدان تناسبی مساوی با ورشکستگی نیست؛ اما بی‌شک از بدیهه‌ترین علل ورشکستگی فقدان تناسب بین دیون و دارایی است. برای مقابله با این علت می‌توان به دو راهکار متفاوت متوسل شد: یکی پیش‌بینی راهکارهایی برای پیشگیری از بروز عدم تناسب و دیگری پیش‌بینی راهکارهایی برای رفع عدم تناسب حادث شده.

راهکارهای متصور برای دفع عدم تناسب برای حفظ تناسب بین دیون و دارایی شرکت تجاری می‌توان از راهکارهای مختلفی استفاده کرد. با اعمال این راهکارها سعی می‌شود از بروز عدم تناسب جلوگیری شود. البته مقصود قانونگذار به طور کامل برآورده خواهد شد. یقیناً این امر به آن معنا نیست که حتماً هیچ کدام از این راهکارها به تنهایی نمی‌تواند به طور صددرصد از بروز ورشکستگی جلوگیری کند. برای این منظور میتوان سه راهکار مشترک پیشنهاد کرد: وضع مجازات، وضع مسئولیت مدنی، خودانتظامی دیون و دارایی در قالب طرحی موسوم به «plan yourself it Do».

### ۴-۱- وضع مجازات بر شخص حقوقی

وضع مجازات اولین راهکار دفع عدم تناسب این است که برای خود شرکت ورشکسته یا مدیران آن اعمال کرد: در رابطه با وضع مجازات بر شخص حقوقی، لایحه جدید قانون تجارت ایران در مواد ۱۲۷۵، ۶۴۵ و ۶۴۶ پرداخت جزای نقدی را پیش‌بینی کرده است. همچنین، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ به بحث «مسئولیت کیفری شخص حقوقی» پرداخته و همچنین در حقوق ایران مواد ۶۷۰ و ۶۷۱ ق.م. ۱ مصوب ۱۳۷۵ به ترتیب مجازات حبس را برای ورشکستگی به تقلب و تقصیر، در نظر گرفته است. لایحه جدید قانون تجارت نیز در مواد ۱۲۰۲ و ۱۲۰۸، به ترتیب مجازات حبس را برای ورشکستگی به تقصیر و تقلب، پیش‌بینی کرده است.

نکته قابل تأمل این است که علاوه بر اینکه اصطلاح «کس» به شخص حقیقی اطلاق می‌شود، ماهیتاً مجازات حبس قابل اعمال بر

شخص حقوقی نیست. با این حال، مجازات‌های ذکر شده در این مواد، با تمهید اختیار شده در مواد ۶۴۵ و ۶۴۶ لایحه مزبور که مجازات حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی را در رابطه با اشخاص حقوقی قابل تبدیل جزای نقدی می‌دانند، قابل اعمال

۱. با این وجود مجازات‌های تبعی در نظر گرفته شده برای ورشکستگان به تقلب و تقصیر، میتواند بر اشخاص حقوقی هم اعمال شود؛ از جمله محدودیتهای موجود در مواد

بر اشخاص حقوقی نیز می باشد. امکان اعمال مجازات بر شخص حقوقی را می توان تغییر مثبتی در قیاس با قانون تجارت فعلی قلمداد کرد؛ اما این نکته را نباید از نظر دور نگه داشت که مجازات جزای نقدی در بسیاری از موارد از بازدارندگی لازم برخوردار نیست و شایسته بود دیگر مجازاتهای مندرج در ماده ۲۰ قانون مجازات جدید نیز قابل اعمال بر این اشخاص می شد. در رابطه با وضع مجازات بر مدیران شرکتهای تجاری ورشکسته نیز باید گفت که شاید این تدبیر بتواند ابزار سودمندی برای پیشگیری از بی احتیاطی یا بی مبالاتی آنان و بالتجیه ورشکستگی شرکت باشد.

مندرجات ماده ۱۱۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مواد ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵ و بندهای «۱» و «۲» ماده ۲۴۶ لایحه اصلاحی مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۶، ۶۶۷، بندهای «۱» و «۲» ماده ۶۵۲ بند «۲» ماده ۶۵۳ و بندهای چهارگانه ماده ۶۵۸

لایحه جدید قانون تجارت، در این باره قابل توجه است. با عنایت به مواد مندرج در لایحه اصلاحی می توان ادعا کرد این احکام درباره ی قانون فعلی مفصلتر، منسجمتر و پیشگیرانه تر است؛ اما آیا مواد مزبور درباره ی مواد متناظر خود در قانون فعلی مجموعاً کارآمدتر است یا خیر؟ به طور کلی می توان گفت وضع مجازات در مقایسه با سایر راه های پیشگیرانه هزینه اعمال مجازات بر مدیران شرکت باعث می شود آنها بسیار تشخیص کمتری دارد. زیرا اعمال مجازات از وقوع ورشکستگی محتاط شوند؛ اما پرسش مهم این است که آیا پیشگیری می کند؟ در پاسخ می توان گفت مجازات می تواند با اعمال مدیریت صحیح، بازدارنده باشد؛ و سؤال دیگر این است که آیا محسنات اعمال مجازات تا حدی هست که از معایب آن چشم ببوشیم؟ بدون تردید شناسایی مجرم و اعمال مجازات هزینه هایی بر شرکت تحمیل می کند؛ همچنین اعمال مجازات می تواند باعث کاهش میل به تجارت شود. اعمال مجازات بر مدیران شرکت نیز باعث می شود کمتر کسی برای انتصاب به این مقام اعلام آمادگی کند. به این ترتیب، به نظر میرسد پاسخ سؤال اخیر منفی باشد.

#### ۴-۲ وضع مسئولیت مدنی

مقصود از وضع مسئولیت مدنی این است که اگر تاجر و یا مدیران شرکت مسبب ورشکستگی شناخته شوند، به جبران ضرر و زیان

وارد محکوم خواهند شد. هر چند ممکن است در نگاه نخست وضع مسئولیت مدنی که در واقع دینی بر ذمه ورشکسته است بر

۲. همچنین، لایحه مزبور مجازات های تکمیلی نیز برای ورشکستگی به تقلب و تقصیر در نظر گرفته است که بر شخص حقوقی نیز قابل اعمال است: ماده ۱۰۳۵ لایحه جدید که مشابه احکام مندرج در مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ ق.ت ۱۳۱۱ را پیش بینی کرده است؛ ماده ۱۰۷۵ مواد ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ در باب اعاده اعتبار و همچنین ماده ۹۸۴

۱. همچنین گاهی قانونگذار مجازات هایی برای بازرسان در نظر گرفته که در پیشگیری از ورشکستگی مؤثرند: نظیر ماده ۲۶۷ قانون تجارت ۱۳۱۱ و مواد ۶۷۲ و ۶۷۳ لایحه جدید قانون تجارت. همچنین در لایحه جدید قانون تجارت مجازات هایی برای اشخاص (صرفنظر از سمت آنها در شرکت)، در نظر گرفته شده است که این امر می تواند در پیشگیری از ورشکستگی مؤثر باشد: بندهای ۱، ۲، ۳ و ۵ ماده ۶۴۷ و بندهای سه گانه ماده ۶۴۸ از آن جمله است.

۲. متن ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مقرر میدارد: «شاکمی می تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۱ - زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲ - منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود. از آثار مثبت این ماده تأیید اصل جبران کامل خسارت است که وقتی در کنار اصل مقرر در ماده ۴۹۲

چنین تاجری اما اگر شخص ثالثی با ورشکسته تبانی کرده و به قصد اضرار به طلبکاران اقدام نماید و یا حتی اگر هیچ قصدی مبنی بر تبانی و اضرار نداشته باشد ولی با اقدام خود حیات مصنوعی به تاجر بدهد، در مقابل طلبکاران مسئول خواهد بود. نمونه بارز این امر در باب اعطای تسهیلات از جانب بانک ها به تاجری که امکان ترمیم وضعیت وی وجود ندارد، مشاهده می شود (ایزائلو، ۱۳۹۰؛ ص ۱۷).

علاوه بر این، برخی نویسندگان حقوقی معتقدند براساس قواعد عام مسئولیت مدنی و با احراز تقصیر، وقوع ضرر و رابطه سببیت بین عمل انجام شده و زیان وارده می توان دولت را تأیید نیز در رابطه با ورشکستگی مسئول دانست (روشن (۱۳۸۶)؛ ص ۳۸)؛ ظاهراً مبانی فقهی معتبر نیز این نظر را توضیح آنکه یکی از موارد متعدد مصرف خمس و زکات، ادای دین بدهکاران یا غرما تلقی

شده و تاجر ورشکسته در زمره «غرما» و در نتیجه مستحق دریافت زکات یا خمس است (همان منبع؛ ص ۴۶).

از لحاظ قانونی، در رابطه با مسئولیت مدنی ورشکسته، حکم خاصی در مقررات داخلی وجود ندارد ولی در رابطه با مدیران، می توان به مواد ۱۰۱ و ۱۴۶ و ۱۵۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مواد ۱۴۳ و ۱۳۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۶۵۹ لایحه جدید تجارت اشاره کرد. بدیهی است مفاد ماده مزبور درباره ی قوانین فعلی نوآورانه محسوب می شود. غیر از این، عبارت کلی مندرج در این قانون درباره ی ماده متناظر در قانون فعلی (ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی)، اعم می باشد؛ توضیح آنکه ماده ۱۴۲ فقط به مدیران و مدیرعامل شرکت اشاره کرده، اما ماده ۶۵۹ به کل مبحث اشاره دارد که به این ترتیب علاوه بر آنان، شامل مؤسسان، بازرس، مدیر تصفیه و... نیز می شود. همچنین، بخش دوم ماده حائز حکم قابل تأمل و مثبتی است، اما ایراد بزرگی نیز بر آن وارد است؛ و آن این است که چنین ماده ای که به کل مبحث نظر دارد باید در انتهای مبحث و تحت بندی کلی قرار گیرد، نه اینکه در اواسط مبحث و ذیل بندی جزئی پیش بینی شود.

علاوه بر مقررات یادشده، ماده ۱۹ قانون صدور چک نیز حاوی حکمی است که میتواند در این زمینه تفسیر شود؛ همچنین است بند «۲» ماده ۵۵۴ قانون مصوب ۱۳۱۱ در باب مسئولیت شخص ثالث؛ اما در رابطه با مسئولیت دولت حکم خاصی وجود نداشته و

۲

شاید بتوان آن را تابع قواعد عام مسئولیت مدنی دانست.

قانون مجازات اسلامی قرار گیرد، دو مبنای اساسی در حقوق مسئولیت مدنی ایران (جبران کامل و انتساب خسارت) را تشکیل میدهند. به موجب این اصل: «باید تا جایی که دقیقاً امکانپذیر است، تعادل از بین رفته به وسیله زیان، مجدداً برقرار شود و زیان دیده در وضعی قرار گیرد که اگر عمل زیانبار تحقق نمی یافت، در آن وضعیت قرار میگرفت». از این اصل، نتایج متعددی استنباط می شود؛ از مهمترین آثار این اصل، تطابق راه حل های جبران خسارت با وضعیت زیان دیده است. یکی دیگر از آثار مطلوب این ماده تأیید جبران پذیری خسارت معنوی است. قانون مزبور به صراحت از قابلیت جبران خسارت معنوی یاد نموده و حداقل دو طریق کلی برای جبران آن پیش بینی کرده است.

۱. غرام از جانب فقهای متعددی تعریف شده است؛ برای نمونه امام خمینی (ره) غرام را این گونه تعریف می کنند: «کسانی هستند که بدون اصراف و معصیت بدهکار شده اند و توان پرداخت آن را ندارند اگرچه مخارج سالشان را داشته باشند

۲. ماده ۱۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۲۶۵ لایحه جدید قانون تجارت نیز برای بازرس مسئولیت مدنی وضع کرده است که می تواند در پیشگیری از ورشکستگی مؤثر باشد.

در ایران پاره ای از حقوقدانان بر این عقیده اند که بنا بر ماده ۳ ق. م. م می توان چنین اختیاری را لااقل در فرض تاجر بودن مدیران، برای دادگاه قائل شد (ایزانلو، ۱۳۹۰؛ ص ۱۷). البته، پذیرش این نظر با عنایت به استقلال شخصیت حقوقی شرکت و مدیران و نیز با توجه به ماده ۴۳۹ ق. ت نیاز به تعمق بیشتری دارد.

در ارزیابی این دو راهکار به نظر میرسد وضع مسئولیت مدنی در مقایسه با وضع مجازات مزایایی دارد: برخی هزینه ها که در اعمال مجازات (برای نمونه در رابطه با حبس) صرف می گردد در وضع مسئولیت مدنی وجود ندارد. همچنین، دید ناخوشایندی که در مقابل اعمال مجازات وجود دارد، در رابطه با وضع مسئولیت مدنی وجود ندارد. علاوه بر این، تعیین مجازات برای ورشکستگی باعث کاهش میل به تجارت و یا قبول سمت مدیریت شرکت می شود ولی این اثر در رابطه با وضع مسئولیت مدنی کم رنگتر است. وضع مسئولیت مدنی به هر حال باعث می شود تاجر و یا مدیران شرکت محتاط تر عمل کنند. با این حال نمی توان عیوب وضع مسئولیت مدنی را نیز نادیده گرفت. علاوه بر کاهش میل به تجارت و مدیریت، در رابطه با تاجر و مدیران (هرچند کم رنگتر از وضع مجازات) می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

وضع مسئولیت مدنی حداقل در برخی موارد در رابطه با خود تاجر ورشکسته چندان مؤثر نیست زیرا ورشکسته به خودی خود بدهکار است و بنابه اصطلاح «غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را»، اینکه به تاجر بگوییم در صورت ورشکستگی به پرداخت مبلغ معینی محکوم می شوی، چندان منطقی و به ویژه پیشگیرانه نخواهد بود (کاویانی ۱۳۹۰؛ ص ۱۶).

وضع مسئولیت مدنی در رابطه با مدیران شرکت نیز پیشگیرانه نیست زیرا در اثر وضع مسئولیت مدنی، تعداد افراد متقاضی برای مدیریت شرکت کاهش یافته و از طرف دیگر افراد متقاضی که متحمل ریسک بیشتری می شوند، در ازای این ریسک حقوق و مزایای بیشتری مطالبه می کنند. بدیهی است چنین مدیری با حقوق دریافتی بالا چندان هم محتاط نخواهد بود (همان منبع، ص ۱۶).

#### ۳-۴ خودانتظامی دیون و دارایی

این روش، تلاشی برای پیشگیری از بروز عدم تناسب میان دیون و دارایی و در نتیجه پیشگیری از بروز ناتوانی، بدون ورود به خدمات مربوط به ورشکستگی است. در این روش که در واقع یک روش شخصمحور است، خود تاجر به آنالیز دیون و دارایی خود می پردازد تا از این طریق از ورود به مرحله ناتوانی پیشگیری کند.

ماده ۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده ۹۱ لایحه جدید قانون تجارت در این راستا قابل تفسیر است؛ زیرا لزوم داشتن دفتر در نهایت به آنالیز دیون و دارایی تاجر توسط خود او منجر می شود و به این واسطه احتمال وقوع ناتوانی کاهش می یابد. مقایسه احکام مندرج در لایحه جدید و قانون فعلی درباره دفاتر تجاری را می توان به نحو ذیل طبقه بندی کرد:

تبصره ۲ ماده ۱۰۲ لایحه جدید از لزوم الکترونیکی بودن دفاتر شرکت های تجاری سخن می گوید. این امر حرکتی رو به جلو محسوب می شود؛ اما چرا این امر تنها به شرکت ها (به جز شرکت های سهامی غیر تعاونی روستایی) منحصر شده است؟ ناگفته

پیدا است که این امر در صورت گستردگی دامنه شمول، مطلوب تر و کارا تر خواهد بود. به نظر می رسد این ماده با توجه به شرایط موجود در زمان تدوین وضع شده و بالطبع می توانست متناسب با شرایط فعلی تغییر کند. بخش نخست ماده ۱۰۱ لایحه جدید، با افزودن مفاد مواد ۹۶ و ۹۸، از حیث دامنه شمول اعم از ماده ۱۵ قانون تجارت فعلی است. همچنین، مجازات به طور خاصی طبقه بندی شده و محکومیت به هر کدام از این درجه ها متناسب با میزان گردش مالی تعیین خواهد شد.

بخش دوم ماده ۱۰۱ نیز خلاء مربوط به عدم ثبت معاملات در دفاتر مربوطه را با تعیین جزای نقدی متناسب با قیمت معامله ای که باید در دفتر ثبت میشد، رفع کرده است. این اقدام قانونی نکته مثبتی قلمداد می شود.

در ارزیابی این روش می توان گفت طرح مزبور بر اعتماد به اشخاص مبتنی است؛ بنابراین، اگر غرض فرد، ورشکستگی به تقلب باشد، به هیچ وجه این طریق راهگشا نخواهد بود. شاید مهمترین ایراد این روش نیز همین باشد؛ به ویژه اینکه هیچ کنترلی بر تاجر در جهت اجرای آنالیز دیون و دارایی خود وجود ندارد. با این همه این روش بسیار کم هزینه تر از روش های دیگر بوده و هزینه تشخیص بسیار پایینی دارد؛ زیرا تاجر بهتر از هر شخص دیگری از وضع خودش آگاه است.

### ۵- روش های قابل تصور دیگر برای دفع عدم تناسب

راهکارهای حفظ تناسب میان دیون و دارایی شرکت تجاری به موارد مرقوم محدود نیست. هر نظام حقوقی روشهای دیگری نیز دارد که در حقوق ایران می توان به عنوان نمونه به موارد ذیل نیز اشاره کرد:

حکم مندرج در مواد ۹۶، ۱۰۰ و ۱۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ یکی از این راهکارها است؛ مفاد این ماده براساس ماده ۱۸۵ همان قانون به شرکتهای نسبی نیز تسری یافته است.

حکم مندرج در مواد ۱۳۲ و ۱۵۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ راهکار دیگری است که در این مورد کاربرد دارد؛ مفاد ماده ۱۳۲ به واسطه ماده ۱۸۹ در شرکت های نسبی نیز مجرا است.

تبصره ماده ۵۲ لایحه جدید آیین دادرسی تجاری مقرر می دارد: «مهر وموم، توقیف ابنیه، ماشین آالت، وسایل و ابزار کار مورد استفاده در بنگاه اقتصادی نباید به نحوی باشد که موجب توقف یا اختلال در روند فعالیت تجاری آن باشد». بنابراین، از این راه نیز می توان برای دفع عدم تناسب بین دیون و دارایی تاجر همت گماشت.

راهکارهای متصور برای رفع عدم تناسب این راهکارها از «ورشکستگی» به معنای دقیق کلمه پیشگیری نمی کند، ولی حداقل از «صدور حکم ورشکستگی» که آثار منفی بسیاری دارد جلوگیری می کند. راهکارهای عدیده ای برای تحقق چنین هدفی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: کمک به ورشکسته، قرارداد فردی و قرارداد جمعی.

### ۵-۱ کمک به ورشکسته

این کمک می تواند از طریق بیمه، صندوق های صنفی، دولت و در نهایت طلبکاران صورت گیرد.

الف) کمک به ورشکسته از طریق بیمه در این باره میتوان نوعی بیمه با عنوان بیمه ورشکستگی پیش بینی کرد که در صورت عدم ثقلب یا تقصیر بیمه گذار (تاجر)، بیمه گر مسئول جبران خسارت وارده به وی باشد. بیمه مسئولیت کارکنان که اخیراً از سوی برخی شرکتهای مطرح شده است نیز می تواند راهگشا باشد. با این حال، تاکنون بیمه کردن تجار از سوی قانونگذاران مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع زمانی می توان این روش را قانونی کرد که زیرساختهای لازم برای آن فراهم شده باشد و فراهم ساختن این زیرساخت ها نیز نیازمند مساعدت شرکت های بیمه است.

آرامش خاطر تجار و نیز اشخاص معامله کننده با آنها، افزایش اعتبار تجار و... از محسنات این روش محسوب می شود. عیبهای این روش را نیز می توان به این نحو بر شمرد: با توجه به ریسک بالا کمتر بیمه گری حاضر می شود تاجر را بیمه ورشکستگی کند و یا در صورت انعقاد عقد بیمه، بالطبع حق بیمه زیادی مطالبه خواهد کرد. در مقابل، تجار نیز کمتر حاضرند این مبلغ هنگفت را به بیمه گر پردازند و اگر بیمه اجباری شود در نهایت به کاهش میل به تجارت منتهی خواهد شد.

ب) کمک به ورشکسته از طریق صندوق های صنفی

منظور این است که یک صندوق صنفی برای هر صنف از تجار ایجاد شود که هر تاجر عضو، مبلغی به این صندوق پرداخته و در صورت بروز ناتوانی در پرداخت دیون تجاری، از آن صندوق کمک دریافت نماید. طبیعی است برای کمک جهت رفع ناتوانی - به ویژه در مورد شرکت های تجاری - این صندوق ها باید مبلغ هنگفتی از هر تاجر به عنوان حق عضویت دریافت کنند.

این روش نیز یک پیشنهاد است و صنفهای مختلف می توانند از آن بهره ببرند؛ اما قانونگذار باید چارچوب درخوری در این باره فراهم آورد. اطمینان خاطر تجار و نیز اشخاص معامله کننده با آنها و افزایش اعتبار تجار و... از جمله محسنات این روش است؛ اما علاوه بر اینکه اداره این صندوقها متضمن صرف هزینه های سنگین است، عیوب بندهای «۱-۲» و «۱-۳» در رابطه با بیمه نیز در اینجا وجود دارد.

پ) کمک به ورشکسته از طریق دولت در این باره سه حالت مختلف وجود دارد: پرداخت وجه نقد به ورشکسته، در نظر گرفتن تسهیلات، اخذ مالیات بیشتر و کمک در قالب وام و نظائر آن. در هر صورت «مداخله دولت اساسی است و کمک مؤثر باید در موقع مشکلات مالی به تاجر بذل گردد».

پرداخت وجه نقد به ورشکسته: این روش مغایر اصل رقابت همگانی است و به همین خاطر قانونگذاران به آن اشاره نکرده اند.

۱. می توان با «اجباری کردن» بیمه، تجار را مجبور کرد خود را در برابر ورشکستگی احتمالی بیمه کنند.

## 2 - The Final Report of Expert Group(2011) page6

۲. اندیشه مهار کردن اعمال ضدرقابتی و کاهش انحصارها اگرچه دارای سابقه ای قدیمی است اما فکر حفظ رقابت در بازار و حمایت از آن به صورت نهادینه نتایج رویکرد جدیدی است. در حقوق کنونی ایران موضوع رقابتی شدن فعالیت های اقتصادی برای اولین بار در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ مجلس مطرح شد و پس از اتمام مهلت اجرای قانون مزبور، قانون برنامه پنج ساله چهارم در سال ۸۳ به تصویب رسید. فصل سوم این قانون نیز تحت عنوان رقابت پذیری اقتصاد، طی شش ماده به موضوع لغو انحصارات و رقابتی کردن اقتصاد ملی پرداخت. در نهایت، قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۶ از تصویب مجلس گذشت و از این طریق رشته حقوقی دیگری به نام حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران پایه گذاری شد. حقوق رقابت براساس پذیرش ضرورت دخالت دولت در بازار به جهت جلوگیری از شکست بازار به دلیل اعمال ضد رقابتی و همچنین برای افزایش توان تولید و بالا بردن سطح کیفیت محصولات در برابر سایر

در نظر گرفتن تسهیلات: این تسهیلات عبارتند از «تعویق در پرداخت مالیات، مرحله ای کردن پرداخت های چندگانه، کاهش تضمینات لازم برای پرداخت های معوق، مذاکره مجدد درباره پرداخت مالیات های معوق برای ایجاد چارچوب زمانی طولانی تر برای پرداخت آن. باید توجه داشت که در نظر گرفتن تسهیلات نباید باعث تحریف بازار و از بین رفتن رقابت همگانی شود.<sup>۱</sup>

اخذ مالیات بیشتر و کمک در قالب وام و نمونه آن: منظور این است که دولت از تجار علاوه بر مالیاتی که باید پردازند مبلغی مازاد اخذ کرده و در صورت بروز ناتوانی در پرداخت دیون به تجار کمک کند. این کمک میتواند متفاوت باشد مانند پرداخت وجه نقد یا پرداخت وام با در نظر گرفتن تسهیلات از محل مزبور و... که در این زمینه تاکنون اقدام قانونی خاصی صورت نگرفته است. حسن کلی این روش، رفع عدم تناسب است. در مقابل نباید از عیوب این روش غافل شد. دو روش اول ایرادهایی دارند که در زیر آورده شده است:

- چرا پولی که از محل مالیات های مردم جمع شده را صرف گروه کوچکی کنیم؟  
 - بیشتر گفتیم که در دل هر کمکی تن پروری وجود دارد؛ کمک دولتی از این قبیل است.  
 - نظارت و سازماندهی نامناسب می تواند باعث تحریف بازار و از بین رفتن رقابت همگانی شود. تجار در رابطه با روش سوم نیز علاوه بر ایراد تن پروری، این ایراد وجود دارد که معمولا علاقه ای به پرداخت مبلغی بیش از آنچه مالیات می دهند نداشته و از سوی دیگر خود را به نوعی تحت کنترل دولت احساس میکنند.

ت) کمک به ورشکسته از طریق طلبکاران

با این روش به دو شیوه می توان به ورشکسته کمک کرد: کمک نقدی و یا ارائه تسهیلات.  
 پرداخت وجه نقد به ورشکسته: یعنی کمک نقدی طلبکاران به ورشکسته پس از وقوع ناتوانی. در رابطه با اجرای این روش تاکنون صحبتی به میان نیامده است.

در نظر گرفتن تسهیلات: طلبکاران نیز میتوانند با در نظر گرفتن تسهیلاتی ورشکسته را به حالت تعادل برگردانند.

## ۵-۲ قرارداد فردی

قرارداد فردی قراردادی است که ورشکسته با آن دسته از طلبکاران که بیشترین طلب را دارند برای به تأخیر انداختن زمان سررسید دین، منعقد می کند (کاویانی، ۱۳۹۱؛ ص ۲۰).

«قرارداد فردی» یا همان «مذاکرات داوطلبانه برای بازسازی» (که روشی عاری از تشریفات بازسازی رسمی است)، از سوی بانکها و سرمایه گذاران فعال بین المللی طراحی شده است. علیرغم استفاده اندک از این روش در برخی حوزه های قضایی، در بسیاری دیگر از حوزه های قضایی روش مزبور به عنوان بخش عمده ای از مذاکرات داوطلبانه مورد توجه قرار گرفته است. بزرگترین

رقبا و در نتیجه کارایی اقتصادی بیشتر شکل گرفته است. نوری یوشانلوئی، جعفر، «جزوه حقوق اقتصادی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق تجاری - اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ترم دوم سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۱

1 Ibid. p.7

به غیر از موارد فوق می توان روش های دیگری نظیر کاهش تضمینات لازم برای اخذ وام و یا اعطای مهلت برای بازپرداخت اقساط وام و... را نیز در نظر گرفت. البته اگر بانکها دولتی باشند.

حسن قرارداد فردی عاری بودن از تشریفات قانونی است که باعث سرعت رسیدگی میشود. این قرارداد در مقایسه با قرارداد جمعی بسیار کم هزینه تر است (کاویانی، ۱۳۹۱؛ ص ۲۱).

با این حال، عیوبی نیز دارد از جمله آنکه «استفاده از این مذاکرات به طور کلی به مواردی محدود شده است که ورشکستگی به میزان قابل توجهی ناشی از بدهی تاجر به بانک یا سرمایه گذاران است». بنابراین، عملاً در بقیه موارد این روش کاربردی ندارد.

### ۳-۵ قرارداد جمعی

قراردادهای جمعی (نوری یوشانلوئی، جعفر، «جزوه حقوق مسئولیت مدنی تجارت»، سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱) «دسته ای از اشخاص را بدون اینکه رضایتشان لازم باشد، پایبند و ملتزم می کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۸؛ ص ۱۰۳).

منظور از این روش، رایزنی و انعقاد قرارداد فیما بین بدهکار با همه یا اکثریت معین طلبکاران است که براساس آن فرصتی دوباره به بدهکار داده می شود؛ یعنی اراده اکثریت طلبکاران بر اقلیت آنها حاکم خواهد بود. البته «باید توجه داشت تحمیل نتیجه قرارداد جمعی به اقلیت نیازمند وجود قانون است» (کاویانی، ۱۳۹۱؛ ص ۲۱).

در واقع، این «قرارداد جمعی» همان «قرارداد ارفاقی» پیش بینی شده در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ است. در لایحه جدید قانون

تجارت نیز نهادی با عنوان «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» پیش بینی شده که هدف این نهاد اعطای فرصت دوباره به ورشکسته است.

این نهاد زمانی موضوعیت می یابد که «مشکلات مالی» ایجاد شده باشند. از حیث هدف و موضوع، این نهاد مسامحتاً مشابه نهاد «قرارداد ارفاقی» و «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» است. این روش که معمولاً عملی تر از روشهای دیگر است، می تواند شانس دوباره ای به ورشکسته برای نزدیک شدن به حالت تناسب بدهد. همچنین، احتمال سوءاستفاده ورشکسته در این روش بسیار کم تر بوده و اگر هم رخ دهد از آنجا که خود طلبکاران به انعقاد چنین عقدی تن داده اند آثار منفی آن را نیز متحمل خواهند شد. عیوب این

روش به این شرح است: این روش نه از بروز ناتوانی بلکه صرفاً از صدور حکم ورشکستگی پیشگیری می کند. همچنین، به واسطه خدشه دار شدن اعتماد طلبکاران درباره ی بدهکار، معمولاً حصول توافقی مبتنی بر اعتماد دوباره در قالب قرارداد جمعی

#### 1 Legislative Guide on Insolvency Law (Part 1 and 2) (2005); p.21

۱. تفاوت این دو نهاد به این شرح است: قرارداد ارفاقی پیشگیرانه قبل از صدور حکم ورشکستگی طرح میشود و طلبکاران قبل از صدور حکم تصمیم می گیرند که آیا شانس مجددی به مدیون بدهند یا نه؟ حال آنکه قرارداد ارفاقی قانون تجارت سال ۱۳۱۱ پس از صدور حکم ورشکستگی و قبل از تصمیم گیری در رابطه با فروش و تقسیم اموال یا ادامه فعالیت تاجر مطرح میشود. این امر از مواد ۱۰۰۷، ۱۰۱۶، ۱۰۲۱، ۱۰۲۳، ۱۰۲۹ و ۱۰۶۱ لایحه جدید و مواد ۴۷۶ به بعد قانون تجارت ۱۳۱۱ بر می آید. به این ترتیب، نهاد پیش بینی شده در قانون فعلی صرفاً از صدور حکم ورشکستگی جلوگیری میکند؛ حال آنکه نهاد پیشنهادی لایحه جدید از بروز ناتوانی پیشگیری می کند. از این حیث لایحه جدید مزیتی بزرگ نسبت به قانون فعلی دارد.

#### 3 Financial Problem

۳. به گونه ای که در نشست کمیسیون اروپا ۲۰۱۱ از این روش با عنوان روش پیشگیرانه یاد نشده است؛ توضیح آنکه در گزارش این نشست دو عامل «سیستم هشدار اولیه» (Early Warning Systems) و «مکانیسم های حمایت از تاجر» (Support mechanisms)، به عنوان راه حل های پیشگیری از ورشکستگی اعلام شده اند (The final report of expert group. 2011 Page ۷)؛ حال آنکه «توافق خارج از دادگاه» بعد از بروز «مشکلات مالی» پیش بینی شده است.

دشوار است. به علاوه، هزینه این روش در مقایسه با نمونه «قرارداد فردی» بسیار بیشتر است. از جمله این هزینه ها می توان به «هزینه های نظارت بر انعقاد چنین قراردادی» (کاویانی، ۱۳۹۱؛ ص ۲۰) اشاره کرد.

غیر از موارد گفته شده، مواد ۹۹۳، ۹۹۱، ۹۸۲، ۸۹۵، ۸۸۸ و ۹۹۳ لایحه جدید قانون تجارت می تواند به رفع عدم تناسب منجر شود.

### ۶- سایر علل ورشکستگی و راهکارهای پیشگیرانه متناسب

علاوه بر عدم تناسب میان دیون و دارایی، می توان دلایل دیگری برای ورشکستگی برشمرده از جمله عدم ثبات در بخش اقتصاد، عدم شفافیت و ناکارآمدی قوانین ورشکستگی و عدم کنترل و نظارت لازم. البته براساس هر کدام از این دلایل، راهکارهای پیشگیرانه مختلفی وجود دارد.

### ۶-۱- عدم ثبات در بخش اقتصاد

این تغییرات تغییرات ناگهانی در بخش اقتصاد میتواند به ورشکستگی ختم شود.<sup>۱</sup> ممکن است نمودهای متفاوتی داشته باشد که جز

کاهش یا افزایش قیمت میتوان به قاچاق اعلام شدن کالا، تغییر حقوق گمرکی و... اشاره کرد. برای مقابله با این علت، میتوان راهکارهای خاصی نظیر یکسان سازی مقررات ناظر بر حقوق تجارت بین الملل، وضع قوانینی به منظور توسعه ثبات و رشد اقتصادی را ارائه داد.

### ۶-۲- یکسان سازی مقررات ناظر بر حقوق تجارت بین الملل

پیچیدگی روابط تجاری در دنیای امروز از یک سو و نیاز متقابل کشورها درباره ی ورود به عرصه معاملات بین المللی از سوی دیگر، به احساس نیاز درباره ی ایجاد قواعد و مقررات یکسان در عرصه بین المللی منجر شده است. به عبارت دیگر، «نیازهای اقتصادی و تجاری موجب شده است کشورها به سوی وحدت حقوقی و هماهنگی حرکت کنند» (شیروی، ۱۳۹۰؛ ص ۶۰).

بیشتر پیچیدگی هایی که گاهی در معاملات بین المللی ایجاد می شود معمولاً به این علت اند که مقررات ناظر بر حقوق تجارت بین الملل مختلف است. حال آنکه اگر مقررات مزبور یکنواخت شوند تاجران فعال در عرصه تجارت بین الملل میتوانند با درک درست تر و برنامه ریزی بهتر به معامله در عرصه بین المللی پردازند

یکسان سازی مقررات مزبور به سه روش روی می دهد: «یکسان سازی مقررات حقوقی در سطح ملی»، «یکسان سازی مقررات

۳

حقوقی در سطح منطقه ای» و «پذیرش داوطلبانه مقررات» که در این مختصر نمی توان به تحلیل روشهای مزبور پرداخت.

این ساز و کار میتواند نقش قابل توجهی در کاهش سردرگمی ها، اختلافات و ناتوانیها داشته باشد. با این وجود، این روش فقط یکی از راهکارهای ایجاد ثبات در بخش اقتصادی است و به تنهایی برای رسیدن به مقصود کافی نخواهد بود. حتی اگر مقصود

۱. به عنوان نمونه فرض کنید کالای X در تاریخ خرید از سوی خریدار داخلی، قیمت معینی دارد. بدیهی است خریدار بر این اساس در باب فروش آن یا حقوق گمرکی و بازاریابی و... برنامه ریزی کرده است. با این وجود در حین ورود کالا به گمرک ارزش کالا به شدت کاهش می یابد، باطبع در اثر این تغییر واردکننده متحمل زیان هایی می شود که حتی میتواند وی را به ورطه ورشکستگی بکشانند.

۲. پیشتر گفتیم می توان دولت را به دلیل عدم موفقیت در ایجاد ایمنی اقتصادی یا زمینه سازی برای از بین بردن آن مسئول شناخت.

۳. برای مطالعه بیشتر ر. ک به: همان منبع؛ صص ۶۱ تا ۶۷

(ثبات اقتصادی) حاصل شود باز هم این امر یعنی ثبات فقط یکی از راهکارهای پیشگیری از ورشکستگی بوده و نمیتوان انتظار داشت به صرف ایجاد ثبات، ناتوانی رخ ندهد. علاوه بر این، نمی توان نظامهای حقوقی مختلف با قواعد و پیشرفت های مختلف را به سادگی هماهنگ کرد و شاید در بسیاری از جنبه ها این امر ممکن نباشد.

### ۶-۳- وضع قوانین جهت توسعه ثبات و رشد اقتصادی

هر کدام از طرفین بازار نمود عینی تعارض در منافع اقتصادی محسوب می شود و طبیعتاً به دنبال به حداکثر رساندن سود خود هستند و در این راستا ممکن است به راههایی متوسل شوند که آثار سوئی بر اقتصاد کلان جامعه داشته باشد. تراست<sup>۱</sup> و دامپینگ<sup>۲</sup> از جمله این مواردند.

علاوه بر قوانین ضد تراست و ضد دامپینگ، راهنمای قانونگذاری آنسیترال ۲۰۰۵ مقرر میدارد: «قوانین و بنیادهای حقوقی ورشکستگی باید زیرساخت های داخلی هر کشور را با تجارت مبتنی بر رشد و توسعه هماهنگ سازند. همچنین، قوانین و بنیادهای مزبور باید قوانین مالی را در رابطه با تشکیل و بازسازی تجارت ها تسهیل کرده و جز این باید درباره ی ارزیابی ریسک اعتباری، هم در امور داخلی و هم در امور بین المللی توانا باشند. اهداف کلیدی مزبور برای یک حقوق ورشکستگی باید با این دیدگاه اعمال شود که اطمینان را در بازار افزایش داده و به از این راه باعث توسعه رشد و ثبات اقتصادی گردد».

بی تردید این امر در پیشگیری از ورشکستگی مؤثر است. با این وجود، وضع مقررات هزینه های گزافی دارد. هزینه تدوین قانون و نظارت مؤثر بر اجرای کارآمد آن از این قبیل است. ضمن اینکه تجربیات مبتنی بر وضع چنین مقرراتی نشان میدهد به طور معمول عوامل برهم زننده ثبات در بازار مقدم بر تصویب قانون مربوط رخ می دهد.

### ۶-۴- عدم شفافیت و ناکارآمدی قوانین ورشکستگی

به واسطه این امر، تاجر دقیقاً نمی داند تحت چه شرایطی ناتوان خواهد شد. بنابراین، ایجاد یک قانون شفاف و کارآمد مربوط به ورشکستگی و نیز اجرای کارآمد و مؤثر قانون مزبور که بر منع قطع ناروای فعالیتهای تجاری مبتنی باشد می تواند در کنار قابلیت پیش بینی ورشکستگی براساس جمع آوری اطلاعات صحیح، از جمله راهکارهای پیشگیری محسوب شود.

1 - Trust

2 - Dumping

۳. به واسطه تراست، رقابت در کشورهای سرمایه داری تبدیل به انحصار شد؛ در نتیجه برای مقابله با تراست باید قوانینی ضد انحصار به وجود می آمد که یکی از معروفترین آنها قانون ضد تراست «شرمن» است که در سال ۱۸۹۰ در امریکا به تصویب رسید. دامپینگ عبارت است از ارائه محصول از سوی تولید کننده با قیمت کمتر از قیمت واقعی در داخل کشور (دامپینگ مستمر یا دائمی) یا در خارج از کشور (دامپینگ مخرب یا غارتگر) به منظور جلب بازار فروش و سپس افزایش قیمتها که اثر مخرب در اقتصاد داشته و به همین دلیل است قوانینی برای مقابله با آن وضع شده است.

4 - Legislative Guide on Insolvency Law(part1 and 2)(2005); p.10

۵. عدم آگاهی از موقعیت در کنار ناکارآمدی قانون نیز ممکن است به بی مبالائی و بی احتیاطی تاجر در انجام معاملات تجاری و در نتیجه ورشکستگی وی منجر شود. به ویژه اینکه تشتت آرا بر شدت این امر دامن میزند.

برای احتراز از وقوع ناتوانی به واسطه عدم شفافیت و ناکارآمدی قانون، در قدم اول باید یک قانون شفاف و کارآمد ایجاد شود. این امر به حدی مهم است که عنوان بخش اول راهنمای قانونگذاری آنسیترال ۲۰۰۵ به این نحوه نامگذاری شده «طراحی اهداف

کلیدی و ساختار یک حقوق ورشکستگی مؤثر و کارآمد».<sup>۱</sup> علاوه بر این، عنوان یکی دیگر از بخش های راهنمای قانونگذاری «مقرراتی برای پاسخ کارا، مؤثر و به موقع به ورشکستگی» است.<sup>۲</sup>

در هر صورت، «یک حقوق ورشکستگی می تواند با منعکس کردن شروط صریح و هدفمند، راه ساده‌ای برای پروسه ورشکستگی فراهم آورد و بدین طریق پاسخ سریع و منظم به مشکلات مالی بدهکار را میسر سازد. همچنین، میتواند وسیله مناسبی برای شناسایی، جمع آوری، حفظ و بازیابی دارایی و حقوق بدهکار که باید در قبال بدهی ها و مسئولیتهای وی پرداخت گردد، فراهم آورد و از این راه مشارکت بدهکار و طلبکارانش را در باب پرداخت هزینه های موجود تسهیل بخشیده و ساختار مناسبی

برای نظارت و اداره پروسه مزبور ایجاد کند. علاوه بر آن، «یک حقوق ورشکستگی باید قابل پیش بینی و شفاف باشد. این امر باعث می شود طلبکاران و قرض دهندگان از چگونگی انجام پروسه ورشکستگی آگاه شده و ریسکی که بنا به موقعیتشان متحمل

می شوند را ارزیابی کنند. این امر به توسعه ثبات در روابط تجاری و البته به سرمایه گذاری با ریسک کمتر نیز کمک می کند.<sup>۳</sup> این روش هزینه هایی دارد که میتواند گزاف باشد. همچنین بحث نظارت در این روش ضروری به نظر میرسد. به جز این، باید توجه داشت شفافیت قانون ورشکستگی زمانی مؤثر است که قوانین تجارتی شفاف بوده و تاجر بداند حکم و قلمرو قانون در باب یک معامله تجاری خاص چیست.

## ۶-۵- اداره کارآمد و مؤثر قانون ورشکستگی

یک قانون شفاف و کارآمد ورشکستگی تنها زمانی میتواند مفید فایده واقع شود که اعمال قوانین ورشکستگی به صورت مؤثر و کارآمد اداره شود. باید توجه داشت که هدف از ادراک دنیای امروز حتی الامکان حفظ ورشکسته است. با این دیدگاه باید تا آنجا که ممکن است فعالیت های تجارتی تاجر ادامه یابد. تشخیص بین «ادامه فعالیت» و «قطع فعالیت» بسیار دشوار است و حسب مورد می تواند متفاوت باشد. ولی این نکته را می توان مسلم دانست که فعالیتهای تاجر تا زمانی که زبانی وارد نمی آورد باید ادامه پیدا کند. لذا «ادامه فعالیت» منوط به «سود آور بودن» آن نیست و صرف «زیان آور نبودن» آن کفایت می کند (کاویانی، ۱۳۹۰؛ ص ۳۹).

1 - Designing the Key Objectives and Structure of an Effective and Efficient Insolvency Law

2 - Provision for Timely, Efficient and Impartial Resolution of Insolvency

3 - Legislative Guide on Insolvency Law(part1 and2) (2005); p.12

4 - Id.at12

5 - Id.at12

راهنمای قانونگذاری آنسیترال مقرر می‌دارد: «ورشکستگی باید تحت یک روش منظم، سریع و کارآمد و با یک دیدگاه مبتنی بر منع قطع ناروای فعالیت های تجاری بدهکار و به حداقل رساندن هزینه پروسه معرفی و حل شود. دستیابی به مدیریت کارا و به موقع، از هدف به حداقل رساندن ارزش دارایی حمایت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

در این باره باید دقت داشت که اجرای قانون شفاف به صورت کارآمد و مؤثر بسیار دشوار است. علاوه بر این، ایجاد زیرساخت هایی لازم به این منظور، هزینه هایی گزاف در بر می‌دارد.

## ۶-۶- عدم کنترل و نظارت لازم

در صورت وجود یک عامل کنترل بر فعالیت های تاجر که هنگام نزدیک شدن به منطقه احتمال بروز ناتوانی کاهش خطر (ناتوانی) به وی برای ادامه فعالیت هشدار دهد، طبیعتاً می‌یابد. البته نفس «کنترل» می‌تواند در فعالیت های تاجر تأثیر منفی داشته و تمایل آنها به تجارت را کاهش دهد.<sup>۲</sup>

کنترل به معنای «قابلیت محاسبه دقیق کارکرد و خط مشی مالی یک تاجر، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم» است. کنترل به اعتبار طریقه انجام آن به دو نوع الکترونیکی و غیرالکترونیکی؛ و به اعتبار ارگان کنترل کننده، به کنترل ساده و سیستماتیک تقسیم می‌شود. اعمال کنترل الکترونیکی باید زیرساخت های لازم ایجاد شود. همانگونه که گفته شد، تاجر درباره ی بدیهی است برای اعمال کنترل، روی خوش نشان نخواهند داد. همچنین، بررسی موردی قراردادهای و وضعیت مالی تاجر می‌تواند اسرار تجاری وی را به خطر اندازد. ضمن اینکه برای اعمال کنترل هزینه گزافی نیز لازم است.<sup>۳</sup>

## ۶-۷- اعمال کنترل ساده

در این روش، ارگان کنترل کننده یک شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اعمال تاجر نظارت کرده ولی اعمال کنترلی بر خود این ارگان از سوی شخص دیگری وجود ندارد و به همین اعتبار است که به این کنترل، کنترل ساده اطلاق میشود. ارگان کنترل کننده بسته به مورد می‌تواند سهامدار شرکت تجاری، طلبکار (ان) شرکت، مشتری شرکت، کارمند شرکت، بیمه گر، صندوقهای صنفی و دولت باشد.

در رابطه با بازرسی به عنوان نوعی ارگان کنترل کننده در قانون تجارت ۱۳۱۱، لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ و لایحه جدید قانون تجارت احکامی یافت می‌شود. قانون تجارت ضمن عدم تعریف، نهادی با عنوان «هیأت نظار» ایجاد کرده است. با توجه به مواد ۱۰۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ همان قانون، میتوان این نهاد را مشابه نهاد «بازرس» دانست. همچنین، لایحه اصلاحی در مواد ۱۴۴ تا ۱۵۶ به تحلیل بازرسی پرداخته است. تعیین بازرسی برای شرکت های سهامی الزامی بوده و برای شرکت های غیرسهامی اختیاری است. لایحه جدید قانون تجارت نیز ضمن به رسمیت شناختن نهاد «بازرس»، در مواد ۲۴۸ تا ۲۷۱ به بررسی نهاد مزبور

1 - Legislative Guide on Insolvency Law(part1 and2) (2005); p.12

۱. در گزارش نشست کمیسیون اروپا آمده است که «تجار تمایل چندانی به این روش نخواهند داشت زیرا این خطر را احساس میکنند که مبادا کنترل کمتری بر امور مالی خود داشته باشند و همچنین، در صورت شکست، ضربه روحی شدیدی احساس خواهند کرد.

3 - Legislative Guide on Insolvency Law(part1 and2) (2005); p.12

پرداخته است. در کنترل ساده چون کنترلی بر ارگان کنترل کننده وجود ندارد، این ارگان ممکن از حق خود سوءاستفاده کرده یا بدون سوءنیت در اعمال کنترل مرتکب زیاده روی زیانباری شود. البته ایرادهای ذکر شده در بخش ارزیابی کلی در اینجا نیز صادق است.

### ۶-۸- کنترل بر کنترل (سیستم کنترل)

در یک سیستم، عمل می کند و طبیعتاً در این روش، این سیستم است که کنترل را کنترل به صورت همگانی و هدفمند انجام می شود. در حقوق ایران نیز با تکیه بر ماده ۲۵۳ لایحه جدید قانون تجارت می توان ادعا کرد سیستم کنترل بر کنترل مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. این تغییر الاقل از حیث رفع ابهام، مطلوب است. البته نمی توان این ایراد را انکار کرد که تدوین کنندگان این لایحه می توانستند به وضوح سیستم کنترل بر کنترل را پیش بینی کنند.

رویکرد «کنترل بر کنترل» می تواند کاملترین نوع «کنترل» محسوب شود که در آن هر عضو بر دیگری و در قالب «سیستم کنترل» نظارت می کند. از این حیث، در صورتیکه اعمال راه حل نهایی را کنترل بدانیم، این راه حل می تواند راه حل معقولی باشد. با این حال، راه حل فوق از طریق ایجاد زیرساخت های لازم هزینه هایی دربردارد. علاوه بر آن، آثار سوء کنترل که در ابتدای بحث به آن پرداخته شد در اینجا نیز وجود دارد.

### نتیجه گیری

ماده ۴۱۲ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ ش شرایط ماهوی اعلام ورشکستگی را تعیین کرده است. مطابق این ماده، ترتیبات ورشکستگی مختص تجار و شرکت های تجاری بود و لذا اتفاق نظر قاطعی در خصوص عدم شمول مقررات ورشکستگی درباره اشخاص حقوق عمومی وجود داشت؛ زیرا هیچ یک از اشخاص حقوق عمومی نه تحت عنوان «تاجر» قرار می گرفتند و نه «شرکت تجاری» محسوب می شدند، اما با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی جدید در سال ۱۳۹۴، تغییر مهمی از حیث دامنه شمول ورشکستگی درباره اشخاص رخ داد و شمول مقررات ورشکستگی درباره اشخاص حقوق عمومی در کانون توجه قرار گرفت. چرا که مطابق ماده ۱۵ این قانون، «تجار و اشخاص حقوقی ... در صورتی که مدعی اعسار باشند، رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند».

ورشکستگی یک اتفاق ناگهانی نیست بلکه نتیجه زنجیره ای از تصمیم های نادرست، بی برنامه گی مالی و نادیده گرفتن نشانه های هشدار دهنده است که در نوع وخیم آن می توان به انحلال شرکت و نابودی سرمایه ختم شود.

خوشبختانه راهکارهایی برای جلوگیری از ورشکستگی وجود دارد که با رعایت آنها می توانید از وقوع آن پیشگیری کنید.

این راهکارها عبارتند از:

- (۱) بودجه بندی دقیق و منظم
- (۲) مدیریت هوشمندانه جریان نقدی (Cash Flow)
- (۳) کاهش هزینه های غیرضروری و بهینه سازی مخارج
- (۴) اضافه کردن منابع درآمدی
- (۵) مدیریت و کنترل بدهی ها

۶) مشاوره با کارشناسان مالی

۷) پایش مداوم وضعیت مالی و تحلیل داده ها

۸) افزایش توان مدیریتی و مهارت های مالی

## منابع

### الف) منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰). حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت های تجاری، تهران: سمت
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۵۳). حقوق تجارت، چاپ چهارم، تهران: نشر جنگل.
- اکبریان، رضا (۱۳۹۶). نحوه رسیدگی به دعاوی ورشکستگی تجار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- انوری پور، سید محسن (۱۳۴۵). ورشکستگی در حقوق ایران، دانشگاه تهران.
- ایزائلو، محسن؛ جباریزاده، روزبه (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی و ورشکستگی، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱ صص ۲۵-۱
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷). ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- دالزر، رودلف و شرورث، کریستف (۱۳۹۰). اصول حقوق بین الملل سرمایه گذاری، ترجمه قاسم زمانی و به آذین حسینی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رجائی، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل ورشکستگی متقابل شرکت و شرکا در شرکت های تجاری، اولین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.
- روشن، محمد (۱۳۸۶). مسئولیت شرکت در ورشکستگی بدون تقصیر تجار، تهران: انتشارات فردوسی.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۵۰). حقوق تجارت، ج ۴، تهران: چاپ مرد مبارز.
- صقری، محمد (۱۳۸۸). حقوق بازرگانی ورشکستگی، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- صقری، محمد (۱۳۸۵). سیاست و راهکارهای لایحه راجع به بازسازی و ورشکستگی، معرفی لایحه تجارت و نوآوریهای آن (مقالات همایش همراه با متن لایحه)؛ صص ۱۶۳-۲۱۱.
- طجرلو، رضا (۱۳۸۹). بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی امریکا و انگلیس، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۵۷.
- عبادی، محمد علی (۱۳۸۲). حقوق تجارت، چاپ بیستم، تهران: انتشارات گنج دانش
- عرفانی، محمود (۱۳۶۴). ورشکستگی در حقوق تجارت بین الملل، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۲، صص ۹۲-۱۰۴.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۱). حقوق تجارت، جلد ۳، چاپ اول، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تهران.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۸). حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه اموال)، تهران: انتشارات جنگل.
- قائم مقام فراهانی. محمد حسن (۱۳۹۵). حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه). تهران: نشر میزان.
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۶). حقوق تجارت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- کاویانی، کورش (۱۳۸۹). حقوق شرکتهای تجارتي، تهران: انتشارات میزان.
- کاویانی، کورش (۱۳۹۱). حقوق ورشکستگی، تهران، انتشارات میزان.
- مرادی، فهیمه (۱۳۸۹). قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد راجع به ورشکستگی فرامرزی، مجله حقوق بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۲، صص ۲۵۷-۲۷۵.
- نبی زاده خیاط، نسیم (۱۳۹۴). وضعیت حقوقی اموال تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۳). حقوق تجارت بین المللی در نظام حقوق ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- هدایت دیمان، نورالدین (۱۳۹۴). ورشکستگی شرکتهای تجاری در قانون تجارت ایران و لایحه جدید قانون تجارت مصوب ۱۳۹۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- هرت، الیور (۱۳۸۶). رویکردهای مختلف به ورشکستگی، ترجمه کورش کاویانی و شاهین شامی اقدم، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، شماره ۴۰-۴۱، صص ۷۳-۹۰.

#### ب) منابع انگلیسی

Insolvency Statute of October 1994 as of January 2004 (Bundesgesetzblatt) 1994(I S.2866)

#### ج) سایت ها

سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی به نشانی: <http://rc.majlis.ir>